

مجله علوم تربیتی و روانشناسی
 دانشگاه سیستان و بلوچستان
 سال سوم- اسفند ماه ۱۳۸۵

تفاوت زنان و مردان در ارتباطات جهت گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول با باورهای دنیای عادلانه و نا عادلانه

دکتر محسن گل پروور*

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیلی بر تفاوت ارتباطات جهت گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول با باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه در زنان و مردان در شهر اصفهان به مرحله اجرا در آمد. از جامعه آماری شهر اصفهان، ۵۹۶ نفر (۲۹۹ مرد و ۲۹۷ زن) برای پاسخ گویی به پرسشنامه‌های پژوهش انتخاب شدند. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش شامل پرسشنامه ۲۰ سؤالی دنیای عادلانه و ناعادلانه، پرسشنامه ۱۷ سؤالی علاقه مندی به پول پرسشنامه چهار سؤالی اخلاق کاری و بالاخره پرسشنامه جهت گیری ارزشی شخصی با ۲۰ سؤال بوده است.

داده‌های حاصل از ضریب همبستگی حاکی از آن بود که باورهای دنیای عادلانه در مردان با هر چهار زیر مقیاس مربوط به پول و جهت گیری ارزشی شخصی دارای رابطه معنادار است اما در زنان صرفاً با موفقیت (زیر مقیاس دوم علاقه مندی به پول) و با پیشرفت (زیر مقیاس دوم جهت گیری ارزشی شخصی) دارای رابطه معنادار بود. نتایج بررسی تفاوت همبستگی‌ها نشان داد که رابطه اهمیت برای پول و غنی بودن با باورهای دنیای عادلانه مردان بطور معناداری از این رابطه در زنان بالاتر است. باورهای دنیای ناعادلانه نیز در مردان با تمامی ابعاد علاقه مندی به پول و جهت گیری ارزشی شخصی دارای رابطه منفی و معنادار بود اما در زنان صرفاً با اهمیت، موفقیت و برانگیزانندگی دارای رابطه منفی و معنادار بود. نتایج بررسی رابطه اخلاق کاری و علاقه به پول و جهت گیری

* استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد خوراسگان (اصفهان)

ارزشی شخصی حاکی از آن بود که موفقیت و غنی بودن (دو زیر مقیاس علاقه مندی به پول) و پیشرفت و قدرت (دو زیر مقیاس جهت گیری ارزشی شخصی) در زنان و مردان دارای همبستگی متفاوتی است.

واژه‌های کلیدی: علاقه مندی به پول، جهت گیری ارزشی شخصی، اخلاق کاری، باورهای دنیای عادلانه، باورهای دنیای ناعادلانه.



مقدمه

جانوف- بولمن^۱ (۱۹۹۲) باورهای افراد یا انسانها در باب عدالت را از زمره باورهای بنیادین در باب دنیا و انسانها می‌داند. این باورها گاهی موضوعات اجتماعی، گاهی سیاسی، گاهی اقتصادی و گاهی نیز به طور کلی باورهای مربوط به دنیا را به عنوان مکانی سرشار از عدالت یا بی عدالتی دربر می‌گیرند (گل پرور و عریضی، ۱۳۸۳؛ عریضی و گل پرور ۱۳۸۴؛ عریضی و گل پرور، ۱۳۸۵).

لرنر^۲ قریب به چهار دهه پیش از نیازی سخن به میان آورد که ابتدا با عنوان فرضیه دنیای عادلانه و به دنبال آن با گسترش تحقیقات به عنوان نظریه دنیای عادلانه مطرح شد (لرنر، ۱۹۸۰؛ لرنر و میلر^۳، ۱۹۷۸). در واقع نیازی که لرنر از آن سخن به میان آورد دارای این درون مایه بود که انسانها به این که در دنیایی زندگی می‌کنند که افراد خوب به نتایج خوب و افراد بد به نتایج بد دست پیدا می‌کنند نیازی مبرم و اساسی دارند. در واقع این نیاز بیشتر حول این تفکر دور می‌زند که شایستگی و لیاقت ملاکهای اصلی برای وقوع یا عدم وقوع حوادث و پیامدها هستند. این ایده پس از طرح، گستره وسیعی از تحقیقات آزمایشی و غیر آزمایشی (فرنهام^۴، ۲۰۰۳) را جهت دهی نمود که کماکان ادامه دارد.

از همان آغاز و پس از طرح نظریه دنیای عادلانه سؤال محوری همواره این بود که نیاز انسانها به باور به دنیایی عادلانه از کجا نشأت می‌گیرد؟ به عبارت دیگر سؤال اساسی توسط

^۱ - Janoff – bulman.

^۲ - Lerner.

^۳ - Lerner & Miller.

^۴ - Furnham

محققان این بود که باور به دنیایی عادلانه از نظر ساختار روانی و رفتاری انسانها چه کارکردهایی برای انسانها دارد؟ این سؤال و سؤالات مشابه در حقیقت هم از نظریات اولیه در باب دنیای عادلانه و هم از نتایج برخی تحقیقات نشأت می گرفت. تحقیقات توماکا و بلاسکوویچ^۱ (۱۹۹۴)، لایپکوس و زیگلر^۲ (۱۹۹۳) و بگیو^۳ (۲۰۰۲) حاکی از آن بود که اگر افراد از طریق حوادث و رخدادهایی که با آنها مواجه می شوند احساس کنند که باورهایشان زیر سؤال رفته به اشکال مختلف سعی در تقویت این باورها می کنند.

برای نمونه وقتی افرادی که به دنیای عادلانه اعتقاد نیرومندی دارند با حوادث و رخدادهایی نظیر قربانی شدن افراد در جرایم جنسی و غیر جنسی مواجه می شوند که آشکارا تهدیدی برای باورهای دنیای عادلانه آنهاست، به جای تغییر این باور، شاهد توجیه و ارائه دلایلی مبنی بر سرزنش قربانی یا قربانیان به عنوان کسانی که خود مقصر وقوع این حوادث بوده اند هستیم. این نتایج مؤید چیزی جز نیرومندی این باورها و نیاز زیر بنایی ناشی از آن نیست. اما این نیرو و توان از کجا ناشی می شود؟ با احتمال زیاد از کارکردهایی که این نوع باورها دارند.

چهار دهه تحقیق مؤید حداقل سه کارکرد برای باورهای دنیای عادلانه است:

(۱) این باورها به سان یک قرارداد شخصی بین افراد با دنیای پیرامون است که آنها را ملزم می کند تا رفتارهای منصفانه انجام دهند.

(۲) نوعی اطمینان خاطر به افراد می دهد که براساس اصل مبادله اجتماعی در صورت رفتار به شیوه منصفانه و عادلانه دیگران نیز با آنها به شیوه منصفانه رفتاری کنند و در عمل آنها قربانی حوادث ناگهانی و غیر قابل پیش بینی نمی شوند.

(۳) این باورها همانند یک مرجع مفهومی و داوری عمل می کند و به افراد در مسیر زندگی و حوادث آن کمک می کند تا حوادث را منطقی توجیه یا تلقی کنند.

توجه به همین سه کارکرد در واقع تا اندازه ای به این که چرا انسانها تا این اندازه به مراقبت و محافظت از باورهای دنیای عادلانه خود می پردازند پاسخ می دهد. در عین حال

^۱ - Tomaka & Blascovitch.

^۲ - Lipkus & Siegler.

^۳ - Begue.

شواهدی در دست است که نشان می دهد باورهای دنیای عادلانه با شاخص های متعددی نظیر رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و سلامت روانی رابطه دارد (گل پرور و جوادی، ۱۳۸۶؛ گل پرور، کامکار و جوادی، ۱۳۸۶). از طرف دیگر با ضعیفتر شدن باورهای دنیای عادلانه گرایشات افسردگی، اضطراب و مشکلات روانشناختی پدید می آید (گل پرور و سجادیان، ۱۳۸۷؛ سجادیان و گل پرور، ۱۳۸۷). از طرف دیگر چالشهایی که از بررسی بر روی باورهای دنیای عادلانه سربر آورده حاکی از آن است که در کنار باورهای دنیای عادلانه، باورهای مستقل دنیای ناعادلانه نیز مطرح است (فرنهام و پروکتر ۱۹۸۹؛ لو ۲۰۰۲؛ گل پرور ۱۳۸۶ الف). در این راستا فرنهام و پروکتر (۱۹۸۹) بر این باورند که باور به دنیای عادلانه در واقع گویای تلقی دنیا به عنوان مکانی دارای نظم و وجود نوعی تعهد برای انجام رفتارهای مطلوب انسانی و اجتماعی است. در حالی که باور به دنیای ناعادلانه نه تنها دارای درون مایه نظری تلقی دنیا به عنوان مکانی سرشار از نظم و تربیت و قاعده نیست، بلکه تلویحاً دارای این مفهوم است که امور دنیوی بر اساس هیچ قاعده ای نمی باشد که بر پایه آن درون داد و برون دادها برای افراد دارای تناسب باشد. شواهد تحقیقی در این حوزه نیز گویای آن است که باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه از طریق شاخصها و ویژگیهای روانشناختی متفاوتی قابل پیش بینی است (گل پرور و سجادیان ۱۳۸۷؛ سجادیان و گل پرور ۱۳۸۷). در عین حال مفهوم سازی های اولیه در باب دنیای عادلانه (رابین و پیلاو^۱ ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵) حاکی از آن بوده است که دنیا مکانی است که در آن شایستگی و سرنوشت^۲ به یکدیگر گره خورده اند. به عبارت دیگر هر چه افراد شایستگی بیشتری داشته باشند سرنوشت و یا پیامدهای دنیایی که نصیب آنها می شود باید بیشتر باشد (مودراک^۳ ۲۰۰۵). در اینکه ملاک و معیار شایستگی و حتی سرنوشت (در مفهوم نتیجه و پیامد نهایی) چیست، اختلاف نظرهایی به چشم می خورد. در بسیاری از جوامع افراد بر حسب نظام ارزشی حاکم بر جامعه امور را مورد داوری قرار می دهند. در حوزه ارزشهای اقتصادی، پول و در حوزه ارزشهای شخصی، ارزشهای تعالی خویشتن یکی از محور اصلی هستند.

^۱ - Rubin & Peplau.

^۲ - Merit & Fate.

^۳ - Mudrack

شواهدی توسط فرنهام و آرگایل^۱ (۱۳۸۴) ارائه شده است که نشان می دهد، پول در گستره و سیر زمان برای افراد نماد و سمبول جایگاه، وجهه، اعتبار و توجه بوده استز در بسیاری شرایط افراد برحسب میزان دارائی های مادی و پولی خود مورد داوری قرار می گیرند. بنابراین چنان که چنین اتفاقی افتاده باشد پس منطقی است که علاقه مندی به پول با باورهای دنیای عادلانه که دارای مبانی نظری مربوط به شایستگی و لیاقت نیز هست، رابطه داشته باشد. شواهد تحقیقی داخلی (گل پرور، ۱۳۸۶ ب؛ گل پرور، ۱۳۸۶ ج) حاکی از آن است که دستاوردهای مادی و پولی می تواند افراد را به سمت عادلانه یا ناعادلانه تلقی کردن دنیا سوق دهد. اما رابطه باورهای دنیای ناعادلانه با نظام ارزشی و جهت گیری های ارزشی شخصی چندان روشن نیست چرا که شواهد تحقیقی این حوزه نه در ایران بلکه در خارج از ایران هم محدود است. شوارتز و بلیسکی^۲ (۱۹۸۷) ارزشها را در انسانها به دو دسته ارزشهای پایانی^۳ و ارزشهای ابزاری^۴ تقسیم نموده اند. در واقع به باور شوارتز و بلیسکی ارزشها تقریباً وسایل بنیادی برای ارضاء نیازهای زیست شناختی، دستیابی به تعادل اجتماعی مبتنی بر تعاون و همکاری، و رعایت تقاضاهای اجتماعی برای بهزیستی و بقاء گروهی و فردی هستند. راکیچ^۵ (۱۹۷۳) نیز تأکید می کند که ارزشها دارای کارکرد سازشی و دفاع از خود برای کنترل تکانه هایی هستند که ممکن است از نظر شخصی و اجتماعی غیر قابل قبول باشند. برخی مطالعات نظیر فرنهام و پروکتر (۱۹۸۹) نیز حاکی از ارتباطات نسبتاً قابل توجهی بین باورهای دنیای عادلانه با ارزشها هستند. فرنهام و پروکتر (۱۹۸۹) در این باره مروری انجام دادند و پی بردند که باور به دنیای عادلانه با نگرشهای اجتماعی محافظه کارانه، اخلاق کاری پروتستان (تمایل به کار بر اساس صداقت، تلاش و پشتکار)، تمکین از مراجع قدرت و همرنگی با قواعد اجتماعی دارای رابطه است. این ارتباطات توسط جونز^۶ (۱۹۹۷) نیز گزارش شده است. فیدر^۷ (۱۹۹۱ و ۱۹۹۴) نیز رابطه نزدیکی

^۱- Furnham & Argyle.

^۲-Schwartz & Bilsky.

^۳- Terminal Values.

^۴- Instrumental Values.

^۵-Rokeach.

^۶-Jones.

^۷-Feather.

را میان باورهای دنیای عادلانه و ارزشهای حوزه هم‌رنگی اجتماعی نظیر رعایت ادب، تمکین در موارد ضروری و کنترل خویشتن گزارش نموده است.

علیرغم استنادات موجود این حوزه، یعنی رابطه بین باورهای دنیای عادلانه و فراتر از آن باورهای دنیای ناعادلانه که نسبت به باورهای دنیای عادلانه سازه‌ای نوپاتر است، با جهت‌گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول، در پیشینه تحقیقات، به تفکیک در بین زنان و مردان مورد تحقیق قرار نگرفته است. شواهد تحقیقی گزارش شده توسط فرهنگ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که بین باورهای دنیای عادلانه زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. اما مطالعات داخلی که بصورت جزئی در سطح سؤالات و نه در کل امتیازات پرسشنامه‌ای انجام شده حاکی از آن است که زنان نسبت به مردان در این که با آنها مطابق شایستگی شان برخورد نمی‌شود، دارای باورهای دنیای عادلانه ضعیف‌تری نسبت به مردان هستند. حتی شواهد نشان می‌دهد که مردان به آنچه زنان باور دارند نیز باور دارند. اما در این که جهت‌گیری زنان و مردان در توجه به عدالت بر چه مبنایی است شواهد تحقیقی بسیار محدودتر و از طرفی ناهمسو است (گل پرور و عریضی ۱۳۸۶؛ گل پرور، ۱۳۸۶ج). براساس گزارش گل پرور (۱۳۸۶ج) برخی تحقیقات گویای آن است که توجه مردان به عدالت معطوف به نفع شخصی و در مقابل توجه زنان به عدالت مبتنی بر حفظ روابط و بهزیستی گروهی است. در عین حال که مردان در مقابل بی‌عدالتی واکنش‌های خشن و تند بیشتری نسبت به زنان از خود نشان می‌دهند که این نیز احتمالاً به واسطه سپرده ارثی و روند تکاملی متفاوت مردان نسبت به زنان است. اما این نتیجه در تمام تحقیقات تکرار نشده است. فراتر از آن به طور واقعی مشخص نیست که آیا علاقه مندی به پول (بعنوان یک ارزش اقتصادی و مادی) و جهت‌گیری‌های ارزشی شخصی مبتنی بر تعالی خود و خودافزایی با باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه رابطه دارد یا خیر؟ به دلیل این ابهام، این پژوهش برای رفع بخشی از خلاء دانش موجود در این حوزه به بررسی رابطه باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه با علاقه مندی به پول و جهت‌گیری ارزشی شخصی پرداخته است. هم‌چنین تفاوت‌های احتمالی ناشی از این ارتباطات با توجه به جنسیت مورد بررسی قرار گرفته است.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان و مردان (۱۸ سال به بالا) ساکن در شهر اصفهان در بهار ۱۳۸۶ تشکیل داده اند. لازم به ذکر است که افراد ۱۸ سال به بالا به این جهت در نظر گرفته شده اند که جهت گیری ارزشی شخصی، اخلاق کاری و علاقه مندی به پول به اندازه نسبی در آنها به وجود آمده باشد.

نمونه پژوهش حاضر را ۵۹۶ نفر (۲۹۹ مرد و ۲۹۷ زن) تشکیل داده اند که با شیوه نمونه گیری چند مرحله ای از خیابانهای شهر اصفهان و از طریق منازل آنها نمونه گیری شده اند. شیوه نمونه گیری بدین شرح بوده است که از مناطق مختلف شهر اصفهان چندین خیابان از طریق نقشه شهری ابتدا نمونه گیری شدند. سپس از این خیابانها تعدادی کوچه و از این کوچه ها تعدادی منازل برای نمونه گیری انتخاب شدند. حداکثر تعدادی که از هر منزل نمونه گیری شدند با توجه به رعایت تساوی جنسیت دو نفر بوده است.

ابزارهای پژوهش در این پژوهش شامل چهار پرسشنامه می شود که با مقیاسهای زیر مجموعه هر پرسشنامه در مجموع ۱۱ خرده مقیاس می باشند.

۱) پرسشنامه باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه: برای اندازه گیری باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه از پرسشنامه ۲۰ سؤالی رایین و پیلانو (گل پرور ۱۳۸۶ الف) که دارای دو خرده مقیاس مستقل باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه است استفاده شده است. این پرسشنامه قبلاً به لحاظ روایی سازه و همزمان در چند مطالعه (گل پرور، ۱۳۸۶ الف و گل پرور، ۱۳۸۶ ب فرنیام و پروکتر^۱ ۱۹۸۹) مورد بررسی قرار گرفته است. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه پنج درجه ای (کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱) می باشد. افزایش نمرات در زیر مقیاس باورهای دنیای عادلانه نشانه افزایش باور به عادلانه بودن دنیاست. شواهد پایائی این پرسشنامه در جدول (۱) آمده است.

۲) پرسشنامه علاقه مندی به پول (عشق به پول)^۲: در این پژوهش از پرسشنامه ۱۷ سؤالی عشق به پول تانگ و چیو^۳ (۲۰۰۳) استفاده شده است که دارای چهار خرده مقیاس اهمیت،

^۱ - Furnham & Procter.

^۲ - Love to money.

^۳ - Tang & chiu.

موفقیت، برانگیزانندگی و غنی بودن است و قبلاً توسط گل پرور (۱۳۸۶ب) مورد بررسی قرار گرفته است. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه نیز پنج درجه ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) است. شواهد مربوط به پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر در جدول (۱) ارائه شده است.

۳) پرسشنامه اخلاق کاری^۱: برای سنجش اخلاق کاری از پرسشنامه چهار سؤالی مودراک^۲ (۲۰۰۵) استفاده شده است. این پرسشنامه نیز گرایشات اخلاقی کلی را نسبت به کارکردن مورد اندازه گیری قرار می دهد. این پرسشنامه برای اولین بار برای این پژوهش ترجمه و اجرا شده است. مقیاس پاسخگویی آن هفت درجه ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) می باشد ولی در پژوهش حاضر به جهت یک دست بودن مقیاسهای پاسخگویی ابزارهای پژوهش از مقیاس پنج درجه ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) استفاده بعمل آمد. شواهد پایایی این پرسشنامه در جدول (۱) ارائه شده است.

۴) پرسشنامه جهت گیری ارزشی شخصی: برای سنجش جهت گیری ارزشی شخصی از بعد ارزشهای تعالی خویشتن^۳ - خود افزایشی^۴ شوارتز^۵ استفاده شد که هر یک دارای دو بعد «نیکخواهی^۶ و گرایش به نفع همگانی^۷» و «قدرت^۸ و پیشرفت^۹» هستند. لایپونن، الکونن و مایری^{۱۰} (۲۰۰۴) ده گزاره برای سنجش این گرایشات و جهت گیری ارزشی معرفی کرده اند (ص ۲۸۱) که طولانی به نظر رسید. بدین جهت ده گزاره ارزشی فوق به تفکیک برای تعالی خویشتن و خودافزایی به ۲۰ گزاره جزئی تر تبدیل و در قالب مقیاس پاسخگویی پنج درجه ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) در کنار پرسشنامه های دیگر برای اجرا آماده شد. به این لحاظ پرسشنامه جهت گیری ارزشی شخصی با استفاده از گزاره های ارائه شده توسط لایپونن و

1- Work ethic.

2- Mudrack.

3- Self - transcendence.

4- Self - enhancement.

5- Schwartz.

6- Benevolence.

7- Universalism.

8- Power.

9- Achievement.

10- Lipponen, Oikkonen & Myyry.

همکاران (۲۰۰۴) برای اولین بار برای این پژوهش ترجمه و اجرا گردید. برای تأیید روایی سازه این پرسشنامه ۲۰ گزاره‌ای، تحلیل عاملی با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش از نوع گزارش واریماکس اجرا گردید که نتایج آن همسو با لایپونن و همکاران (۲۰۰۴) بود به این ترتیب که ۸ سؤال آن مربوط به گرایش به نفع همگانی، ۵ سؤال مربوط به گرایش ارزشی پیشرفت، ۵ سؤال آن مربوط به گرایش ارزشی قدرت و ۲ سؤال آن مربوط به گرایش ارزشی نیکخواهی بود. این چهار عامل با مقادیر ویژه ۸/۲۳۱، ۲/۷۵۱، ۱/۴۵۹، ۱/۰۲۳ در مجموع قادر به تبیین ۶۷/۱۳ درصد از واریانس پرسشنامه جهت گیری ارزشی شخصی بودند. علاوه بر این پایایی این چهار بعد نیز در پژوهش حاضر بررسی شد که نتایج آن در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: ضرایب پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش

ردیف	شاخصهای پایایی	
	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
۱	۱۱	۰/۷
۲	۹	۰/۶۸
۳	۴	۰/۶
۴	۴	۰/۷۸
۵	۴	۰/۸۱
۶	۴	۰/۷۸
۷	۴	۰/۸۲
۸	۸	۰/۷۶۸
۹	۵	۰/۷۷۴
۱۰	۵	۰/۶۶۹
۱۱	۲	۰/۷۴۶

چنانچه که در جدول (۱) دیده می شود پایایی مقیاسهای مورد استفاده در پژوهش در حد نسبتاً قابل قبولی می باشد. ضمناً ضریب پایایی کل پرسشنامه علاقه مندی به پول ۰/۸۷ به دست آمد. کلیه پرسشنامه‌های پژوهش در پژوهش حاضر به شیوه خود گزارش دهی پاسخ داده شده‌اند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و Z استفاده شد.

یافته‌ها

همبستگی‌های بین باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه با اخلاق کاری، جهت گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول به صورت کلی (نه به تفکیک جنسیت) در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲: همبستگی بین باورهای دنیای عادلانه، اخلاق کاری، جهت گیری ارزشی و

علاقه مندی به پول

اخلاق کاری	باوردهای دنیای ناعادلانه	باورهای دنیای عادلانه	زیر مقیاسها	همبستگی
				همبستگی
۰/۱۰۶**	-۰/۲۲۷**	۰/۱۱۸**	اهمیت (پول چیز مهمی است)	علاقه مندی به پول
۰/۱۸۹**	-۰/۲۲۳**	۰/۲۵۴**	موفقیت (پول نشانه موفقیت است)	
۰/۱۱۱**	-۰/۲۲۶**	۰/۱۶۶**	برانگیزاننده (پول باعث انگیزه می شود)	
۰/۰۸۲**	-۰/۱۵۳**	۰/۱۰۵*	غنی بودن (غنی بودن خوب است)	
۰/۰۵۷	-۰/۰۹۸*	۰/۰۶۸	گرایش به نفع همگانی	نوع ارزشی
۰/۱۵۱**	-۰/۱۳۴**	۰/۱۸۲**	پیشرفت	
۰/۱۲۲**	-۰/۱۱۵**	۰/۱۲۴**	قدرت	
۰/۰۶۱	-۰/۰۴۵	۰/۱۲۴**	نیک خواهی	

** $P < 0/01$ و * $P < 0/05$

چنانچه که در جدول (۲) دیده می شود باورهای دنیای عادلانه با گرایش به نفع همگانی رابطه معناداری ندارد اما با اهمیت، موفقیت، برانگیزانندگی و مطلوب بودن غنای ناشی از پول و پیشرفت، قدرت و نیکخواهی از جهت گیریهای ارزشی شخصی دارای رابطه معنادار است. باورهای دنیای ناعادلانه با نیکخواهی دارای رابطه معنادار نیست ولی با بقیه موارد دارای رابطه معنادار ($P < 0/01$) است. اخلاق کاری نیز با گرایش به نفع همگانی و نیکخواهی دارای رابطه معنادار نیست اما با بقیه موارد رابطه معنادار ($P < 0/01$) دارد.

برای بررسی نقش جنسیت در این ارتباطها با استفاده از Z فیشر، نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۳: همبستگی بین ابعاد مختلف جهت گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول با باور به

دنیای عادلانه در زنان و مردان.

معناداری	Z فیشر	شاخصهای آماری		تفسیر
		زنان همبستگی	مردان همبستگی	
معنادار *	۲/۰۷۴	۰/۰۳۴	۰/۲**	علاقه مندی به پول
معنادار نیست	۱/۶۵	۰/۱۸۸**	۰/۳۱۵**	
معنادار نیست	۱/۷۱	۰/۰۹۸	۰/۲۳۳**	
معنادار *	۲/۳۹	-۰/۰۲۸	۰/۲۲۰**	
معنادار نیست	۱/۸۳	-۰/۰۰۲	۰/۱۴۹*	جهت گیری ارزشی شخصی
معنادار نیست	۰/۱۹۷	۰/۱۸۰**	۰/۱۹۶**	
معنادار نیست	۱/۹۱	۰/۰۴۳	۰/۱۹۸**	
معنادار نیست	۱/۵۶	۰/۰۶۷	۰/۱۹۰**	

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$ جدول $Z = 1.96$

چنانچه که در جدول (۳) مشاهده می شود باورهای دنیای عادلانه مردان با تمامی ابعاد علاقه مندی به پول (اهمیت، موفقیت، برانگیزانندگی و غنی بودن) و جهت گیری ارزشی شخصی (گرایش به نفع همگانی، پیشرفت، قدرت و نیکخواهی) دارای رابطه مثبت و معنادار است اما باورهای دنیای عادلانه زنان صرفاً با موفقیت (برای پول) و پیشرفت (از جهت گیری ارزشی شخصی) دارای رابطه معنادار است. بررسی تفاوت ارتباط بین باورهای دنیای عادلانه مردان با زنان فقط در ابعاد اهمیت پول و غنی بودن معنادار است و در بقیه موارد همبستگی باورهای دنیای عادلانه مردان تفاوتی با همبستگیهای باورهای دنیای عادلانه زنان ندارد. این یافته بدین معنی است که در مردان میزان رابطه اهمیت برای پول و مطلوب بودن غنای ناشی از پول با باورهای دنیای عادلانه آنها نسبت به زنان نیرومند تر است.

جدول ۴: همبستگی بین ابعاد مختلف جهت گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول با باورهای

دنیای ناعادلانه در زنان و مردان.

معنی داری	Z فیشر	شاخصهای آماری		متغیرها
		زنان همبستگی	مردان همبستگی	
معنادار نیست	-۰/۸۳	-۰/۲۶۷**	-۰/۲۰۱**	علاقه مندی به پول
معنادار نیست	-۰/۴۳	-۰/۲۵۳**	-۰/۲۱۳**	
معنادار نیست	-۰/۷۱	-۰/۲۵۹**	-۰/۲۰۳**	
معنادار نیست	۱/۳۸	-۰/۱۰۶	-۰/۲۱۳	
معنادار نیست	۰/۶۲	-۰/۰۷۸	-۰/۱۲۸*	جهت گیری ارزشی شخصی
معنادار نیست	۰/۹۵	-۰/۱۰۳	-۰/۱۷۹**	
معنادار نیست	۱/۱۳۵	-۰/۰۷۶	-۰/۱۶۳**	
معنادار نیست	۱/۳	۰/۰۱۱	-۰/۱۱۴*	

* $P < 0/05$ و ** $P < 0/01$ جدول $Z = 1/96$

چنانچه که در جدول (۴) مشاهده می شود، باورهای دنیای ناعادلانه مردان با تمامی ابعاد علاقه مندی به پول (اهمیت، موفقیت، برانگیزانندگی و غنی بودن) و جهت گیری ارزشی شخصی (گرایش به نفع همگانی، پیشرفت، قدرت و نیکخواهی) دارای رابطه منفی و معنادار است اما در گروه زنان باورهای دنیای ناعادلانه صرفاً با اهمیت، موفقیت، و برانگیزانندگی از ابعاد علاقه مندی به پول معنادار است و در بقیه موارد معنادار نیست. بررسی تفاوت بین همبستگی های باورهای دنیای ناعادلانه زنان و مردان نشان می دهد که این تفاوتها در هیچیک از موارد معنادار نیست. بنابراین می توان نتیجه گرفت که تفاوتی بین همبستگی باورهای دنیای ناعادلانه زنان و مردان در ابعاد علاقه مندی به پول و جهت گیری ارزشی شخصی مشاهده نشد. در بررسی رابطه متغیرهای پژوهش با اخلاق کاری نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۵: همبستگی ابعاد مختلف جهت گیری ارزشی شخصی و علاقه مندی به پول با

اخلاق کاری در زنان و مردان

معنی داری	Z فیشر	شاخصهای آماری		مقیاسها	مقیاس
		مردان	زنان		
معنادار نیست	۱/۵۶	۰/۰۴۴	۰/۱۷۱**	اهمیت (پول چیز مهمی است)	علاقه مندی به پول
معنادار	۱/۹۸	۰/۱۳۱	۰/۲۵۵**	موفقیت (پول نشانه موفقیت است)	
معنادار نیست	۱/۵۶	۰/۰۵۶	۰/۱۷۹**	برانگیزاننده (پول باعث انگیزه می شود)	
*معنادار	۲/۱۳	-۰/۰۲۸	۰/۲**	غنی بودن (غنی بودن خوب است)	
معنادار نیست	۱/۱۳	۰/۰۰۸	۰/۰۹۹	گرایش به نفع همگانی	جهت گیری ارزشی شخصی
*معنادار	۲/۲۲	۰/۰۶۴	۰/۲۴**	پیشرفت	
*معنادار	۲/۸۷	۰/۰۰۶	۰/۲۳۷**	قدرت	
معنادار نیست	۰/۹۸	۰/۰۲	۰/۱۰۱**	نیک خواهی	

$Z = 1/196$ جدول $P < 0/05$ در سطح دو دامنه $P < 0/05$ *

چنانچه که در جدول (۵) مشاهده می شود اخلاق کاری مردان فقط با اهمیت، موفقیت، برانگیزانندگی و غنی بودن (از ابعاد علاقه مندی به پول) و پیشرفت و قدرت (از ابعاد جهت گیری ارزشی شخصی) دارای رابطه معنادار و با گرایش به نفع همگانی و نیک خواهی داری رابطه ی آن معنادار نیست. اخلاق کاری کلی زنان صرفاً با موفقیت (از ابعاد علاقه مندی به پول) دارای رابطه معنادار است ولی با بقیه موارد دارای رابطه معناداری نیست. نتایج بررسی تفاوت همبستگی های بین اخلاق کاری و ابعاد علاقه مندی به پول و جهت گیری ارزشی شخصی در زنان و مردان حاکی از آن است که اخلاق کاری در مردان با موفقیت و غنی بودن (از ابعاد علاقه مندی به پول) و پیشرفت و قدرت (از ابعاد جهت گیری ارزشی شخصی) نسبت به زنان دارای رابطه نیرومند تری است. به عبارت دیگر گرایشات اخلاق کاری مردان در زمینه موفقیت، غنی بودن و پیشرفت و قدرت به طور معنی داری بیشتر از زنان است.

بحث

پژوهش حاضر یکی از پژوهشهاست که هدف آن بررسی تفاوت بین ارتباطات علاقه مندی به پول و جهت گیری ارزشی شخصی با باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه زنان و مردان بود. بر

اساس آنچه در بخش یافته‌ها ارائه شد باورهای دنیای عادلانه در حالت کلی (یعنی بدون تفکیک جنسیت) با تمامی ابعاد علاقه مندی به پول و جهت گیری ارزشی شخصی به جز گرایش به نفع همگانی (به عنوان یکی از ابعاد جهت گیری ارزشی شخصی) دارای رابطه مثبت معنادار بود و باورهای دنیای ناعادلانه نیز به جز با نیکخواهی (به عنوان یکی دیگر از ابعاد جهت گیری ارزشی شخصی) با تمامی ابعاد علاقه مندی به پول و دیگر ابعاد جهت گیری ارزشی شخصی دارای رابطه منفی و معناداری بود. اخلاق کاری نیز با تمامی ابعاد علاقه مندی به پول و در بعد پیشرفت و قدرت از ابعاد جهت گیری ارزشی شخصی دارای رابطه معناداری بود. پس از تفکیک این ارتباطات برحسب جنسیت مشخص شد که رابطه باورهای دنیای عادلانه مردان با اهمیت و غنای مربوط به پول نسبت به زنان در سطح معنی داری بالاتر بود.

شواهد تحقیقی معطوف به بررسی دلایل توجه مردان و زنان (گل پرور، ۱۳۸۶) به مقوله عدالت در داخل و خارج کشور هماهنگ نبوده اند. برای نمونه در برخی تحقیقات نشان داده شد که زنان در توجه خود به عدالت و در عین حال در داوریهای خود احتمالاً از ملاکهایی نظیر بهزیستی و رفاه گروهی و جمعی بیش از مردان استفاده می کنند و در مقابل مردان در این نوع داوریهها ماهیتاً نفع شخصی را در نظر می گیرند. بدین جهت یافته‌های این پژوهش مبنی بر این که بین باورهای دنیای عادلانه مردان با اهمیت و غنای معطوف به پول رابطه نیرومندتری نسبت به زنان وجود دارد با آنچه در برخی از تحقیقات گل پرور و عریضی (۱۳۸۶) گزارش شده همسویی نشان می دهد. این ارتباط بین اهمیت و غنای ناشی از پول در مردان با باورهای دنیای عادلانه احتمالاً ناشی از ارزشی است که مردان برای پول به واسطه موفقیت اقتصادی و اجتماعی خود قائل هستند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مردان داوری خود را در باب دنیای عادلانه به طور جدی با ارزشهای مادی و پولی پیوند داده اند. به عبارت دیگر این امر تا اندازه‌ای گویای آن است که اگر دنیا برای مردان غنا و توانگری مالی را به ارمغان بیاورد در آن صورت شرایط دنیا از نظر آنها عادلانه است. اگر چنین نباشد آن را ناعادلانه خواهند دید. این تفسیر در توجه به ارتباطات بین باورهای دنیای ناعادلانه مردان با ابعاد علاقه مندی به پول و جهت گیری ارزشی شخصی (جدول ۴) که تمامی رابطه ها منفی و معنادار است بخوبی منعکس شده است. البته در زنان نیز سه بعد اهمیت، موفقیت و برانگیزانندگی صرفاً با باورهای

دنیای ناعادلانه دارای رابطه منفی و معنادار است که البته این ارتباطات در زنان و مردان در هیچیک از موارد دارای تفاوت نیست. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که پول و علاقه مندی به آن به دلیل روابطی که با باورهای دنیای عادلانه دارد تبدیل به یک ارزش اقتصادی مهم در داوریهای معطوف به عدالت شده است. همچنین نتایج حاکی از آن است که اخلاق کاری با تمامی ابعاد پول و صرفاً با دو بعد پیشرفت و قدرت در مردان دارای رابطه معنادار است و در زنان جز با موفقیت دارای ارتباط معنادار نیست. جالب توجه اینکه دو بعد گرایش به نفع همگانی و نیکخواهی که دو بعد ارزشی تعالی خویشن است با اخلاق کاری مردان و زنان دارای رابطه معنادار نیست. این امر حاکی از آن است که اخلاق کاری نیز به جای تعهد، مسئولیت پذیری و پشتکار و کارسخت برای رفاه خود و اعضای جامعه، صرفاً به خود محوری و نفع شخصی گرایش دارد. این تا اندازه ای نتیجه گیری‌های قبلی مبنی بر اینکه پول، تبعات و متعلقات آن تبدیل به یک عامل ارزشی در داوریهای عدالت بنیاد شده را تأیید می‌کند. لازم است تحقیقات آینده سهم ارزشهای اقتصادی و غیر اقتصادی را در داوریهای عدالت بنیاد مشخص کنند.



منابع

- ۱- سجادیان، ایلناز و گل پرور، محسن (۱۳۸۷). روابط ساده و چند گانه باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه با ویژگیهای روانی. (در مرحله چاپ در فصلنامه روانشناسی معاصر).
 - ۲- فرنهام، آدریان و آرگایل، مایکل (۱۳۸۴). روانشناسی پول. ترجمه: شهلا یاسائی. چاپ اول. تهران: انتشارات جوانه رشد.
 - ۳- عریضی، حمیدرضا و گل پرور، محسن (۱۳۸۴). رابطه رویکردها به عدالت اجتماعی با مؤلفه‌های برابری سیاسی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۶: ۱۵۵-۱۸۳.
 - ۴- عریضی، حمیدرضا و گل پرور، محسن (۱۳۸۵). رابطه عدالت اجتماعی با گرایش اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. مجله علوم روانشناختی، ۱۷: ۳۵-۵۸.
 - ۵- گل پرور، محسن (الف. ۱۳۸۶). ساختار عاملی پرسشنامه رابین و پپلاو در ایران: تمایزی بر باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه. مقاله در مرحله داوری در مجله علوم روانشناختی.
 - ۶- گل پرور، محسن (ب. ۱۳۸۶). مقایسه باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران بر مبنای متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل و وضعیت مسکن. مقاله در مرحله داوری.
 - ۷- گل پرور، محسن (ج. ۱۳۸۶). تحلیل اکتشافی تأثیر علاقه مندی به پول بر باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه در زنان و مردان. مقاله در مرحله داوری.
 - ۸- گل پرور، محسن و جوادی، سارا (۱۳۸۶). الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخصهای بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری. فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال هشتم، ۳۲ و ۳۱: ۱۲۲-۱۰۹.
 - ۹- گل پرور، محسن و سجادیان، ایلناز (۱۳۸۷). تحلیل اکتشافی رابطه باورهای دنیای ناعادلانه با شاخصهای وضعیت روانی. مقاله در مرحله داوری.
 - ۱۰- گل پرور، محسن و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۳). رابطه نحوه نگرش به مدارس غیرانتفاعی با رویکردهای عدالت اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۵: ۳۱۸-۲۹۳.
 - ۱۱- گل پرور، محسن؛ کامکار، منوچهر و جوادی، سارا (۱۳۸۶). رابطه باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با سلامت عمومی، رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و منفی و افکار خودکار. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی، ۳۲: ۶۸-۳۹.
- 12-Begue, L. (2002). Beliefs in justice and faith in people. *Personality and Individual Differences*, 32: 375-382.

- 13-Feather, N.T. (1991). Human values, global self-esteem and belief in a just world. *Journal of Personality*, 59: 81-107.
- 14-Feather, N.T. (1994). Human values and their relation to justice. *Journal of Social Issues*, 50:129-151.
- 15-Furnham, A. (2003). Belief in a just world: research progress over the past decade. *Personality and Individual Differences*, 34: 795-817.
- 16-Furnham, A., & Procter, E. (1989). Belief in a just world: review and critique of the individual difference literature. *British Journal of Social Psychology*, 28: 365-384.
- 17-Jones, H.B. (1997). The protestant work ethic: Weber's model and the empirical literature. *Human Relations*, 50: 757-778.
- 18-Lerner, M. (1980). *The belief in a just world: a fundamental delusion*. New York: Plenum Press.
- 19-Lerner, M., & Miller, D. (1978). Just world research and the attribution processes: looking back and a head. *Psychological Bulletin*, 85: 1030-1051.
- 20-Lipkus, IM., Siegler, IC. (1993). the belief in a just world and perceptions of discrimination. *Journal of Social Psychology*, 127: 465-474.
- 21-Lipponen, J., Olkkonen, M.E., & Myyry, L. (2004). Personal value orientation as a moderator in relationships between perceived organizational justice and its hypothesized consequences. *Social Justice Research*, 17(3): 275-292.
- 22-Loo, R. (2002). Belief in a just world: support for independent just world and unjust world dimensions. *Personality and Individual Differences*, 33 703-711.
- 23-Janoff-Bulman, R. (1992). *Shattered assumptions: Towards a new psychology of trauma*. New York: Free Press.
- 24-Mudrack, P.D. (2005). An outcomes-based approach to just world beliefs. *Personality and Individual Differences*, 38: 817-830.
- 25-Rokeach, M. (1973). *The nature of human values*. New York: Free Press.
- 26-Rubin, Z., & Peplau, L.A. (1973). Belief in a just world and reactions to another's lot: A study of participants in the national draft lottery. *Journal of Social Issues*, 29: 73-93.
- 27-Rubin, Z., & Peplau, L.A. (1975). Who believes in a just world? *Journal of Social Issues*, 31: 65-90.

28-Schwartz, S.H., & Bilsky, W. (1987). Toward a universal psychological structure of human values. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53: 550-562.

29-Tang, T.L.P., & Chiu, R.K. (2003). Income, money ethic, pay satisfaction, commitment, and unethical behavior: is the love to money the root of evil for Hong Kong employees? *Journal of Business Ethics*, 46: 13-30.

30-Tomaka, J., & Blascovich, J. (1994). Effects of justice beliefs on cognitive appraisal of and subjective, physiological, and behavioral responses to potential stress. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67: 732-740.